

بدیهی است که دستور زبان ایرانیان پیش از ظهور اسلام با دستور زبان ایرانیان دستور زبان آنان بعد از ظهور دین مزبور متفاوت بوده پیش از اسلام است زیرا که : دستور هر زبانی مولود اشتقاق لغات و نتیجه ترکیبات کلمات آن زبانست و ایرانیان قبل از پیدایش و رواج دین اسلام در عصر ساسانی بزبان پهلوی، و پیش از آن بزبان اوستائی، و پیش از آن بزبان پارسی باستان، و پیش از آن بزبان ایرانی قدیم، تکلم میکرده اند و لابد در ازمنه ما قبل تاریخ حتی ما قبل تاریخ باستانی (۱) پیش از آنکه زبان ایرانی قدیم بین ایرانیان متداول شود، ایرانیان بزبانهای دیگر سخن می گفته اند که اکنون ما را بدانها اطلاعی نیست و معلوم است که هر یک از زبانهای مزبور دستوری مختص بخود داشته که با خود آن زبانها از میان رفته است ولی با اینحال از زبانهای پارسی باستان و اوستائی و پهلوی کم و بیش بوسیله مستشرقین و اکتشافات و تحقیقات قابل ستایش آنان اطلاعاتی بما رسیده که تا حدی دستور های این سه زبان شناخته گردیده است چه آنکه بوسیله سنگ نبشته، داریوش، در تخت جمشید، کلماتی که با خط میخی بابلی نقر شده، از زبان پارسی باستان بجا مانده و خوانده شده است و از زبان اوستائی نیز آثاری چند مانند : یسنا، ویسپرد، وندیداد، یشت و خرده اوستا موجود میباشد (۲) و همچنین آثار زیادی که عبارت از سنگ نبشته های متعدد و کتب تاریخی و ادبی و داستانی و فلسفی و غیره است، از زبان پهلوی باقی مانده و بواسطه کشف همین آثار تا حدی قواعد این سه زبان بخصوص زبان پهلوی معلوم گردیده، و از جمله مستشرقین عالیمقامی که اطلاعات گرانبهایی در این قسمت بماداده اند، نمودر نولدکه، (۳) و هرمان اته، (۴) و آرتور کریستن سن، (۵) میباشد و از میان ایرانیان نیز آقایان «پورداد» و «ملک الشعراء» بهار، از

Histoire Anecdote (۱)

(۲) نباید از نظر دور داشت که متون قسمتهای موجوده اوستا بوسیله ترجمه های پهلوی آن کشف گردیده است

T. Noeldeke (۳)

Hermann Ethé (۴)

Arthur Christensen (۵)

از دیرگاه توجه خویش را معطوف بشناختن ادبیات پهلوی نموده و هر کدام در موضوعات بخصوصی که قهراً دستور زبان پهلوی نیز جزء آن موضوعات است تحقیقات مفیدی فرموده اند که ما بعداً در محل خود بنقل خلاصه تبعات آقایان مذکور خواهیم پرداخت و چون در اینجا گفتگوی ما در اطراف دستور زبان فارسی کنونی است لهذا میگوئیم:

لغات و ترکیب کلمات زبان فارسی مادر اوائل امر با وجود دستور زبان ایرانیان تغییراتی که در آن روی داده بود تفاوت بسیار محسوسی بعد از اسلام با لغات و کیفیت ترکیب کلمات زبان پهلوی نداشته همانطور که لغات و کیفیت ترکیب کلمات زبان پهلوی با زبان پارسی باستان زیاد تفاوت نداشته است (۱) ولی از نیمه دوم قرن اول هجری که کلمات زیادی از عربی داخل در کلمات زبان ایرانیان گردید بتدریج شکل لغات فارسی و ترکیب کلمات این زبان فرق پیدا کرد و این فرق تا آنجا منتهی شد که در قرن پنجم و ششم و قرون بعد عده کثیری از نویسندگان بسیاری از لغات و ترکیب کلمات فارسی را بصورت عربی در آوردند و قهراً دستور زبان فارسی هم تابع قواعد نحوی زبان عربی واقع گردید اما با وجود این تبعیت قهری اغلب اوقات عدم قبول تقلیدیت خود را بواسطه بینونتذاتی که بین اصول زبانهای سامی و آریائی وجود دارد، آشکار میگرد و بهمین علت ادباء بزرگ ایرانی که بیش از ادبیات زبان فارسی با ادبیات زبان عربی آشنا بودند، نمیتوانستند کاملاً دستو این زبان را از هر جهت منطبق با دستور زبان عربی نمایند.

(۱) بیشتر تحقیقاتی که در ادبیات زبان پارسی باستان و دستور آن بعمل آمده است مبنی بر پیدایش چهار صد لغت اصلی آن زبان میباشد که در سنگ نبشته های ایران و مصر و آسیای صغیر و سایر آثار منکشفه عصر هخامنشیان موجود است و آنها را علماء علم زبان شناسی Philologie قرائت و ترجمه کرده اند.